

چپاولگری، قانون ستیزی، مردم آزاری و مصلحت گرایی

عملکرد حاکمیت کرزی در آینه ی ارقام و حقایق

بخش دوم

استاد (صبح)



آمار تکان دهنده و تأمل برانگیز فساد گسترده اداری، اختلاس های کلان، کشتار غیر نظامیان، افزایش بی سابقه خشونت علیه زنان، اختلافات یوچ احزاب، آوارگی جوانان در کمپ های غربی، گسترش فقر و فحشا، خودکامگی حکومت و از همه مهمتر دخالت های کشورهای منطقه در تعیین و تبیین سیاست و امنیت افغانستان، معنای واژه استقلال را زیر سوال برده است. بلی! آنهایی که سال ها اهداف شخصی و تنظیمی و عقده ها و حقارت های شخصی واقعیت هارا وارونه جلوه داده اند و بار دیگر دندان های خون پُر و تیز را سخت تر به هم بفشارند تا مردم را بیشتر به کام نیستی و نابودی ببرند، آیا اینست رعایت حقوق انسانی و دفاع از حقوق بشر؟. تحقیقات که موسسات داخلی و خارجی منتشر نموده – بطور اوسط روزانه هفت نفر از افراد غیر نظامی قربانی حملات تروریستی مخالفین و خودسری نیروهای خارجی میشوند که این قربانیان را اکثرآ اطفال و زنان تشکیل میدهند. چرا دولت و رییس جمهور گروپ های تروریستی و انتحاری را برادر خطاب میکند و مگر رییس جمهور در جنایات آنان شریک است؟. قوای خارجی که روزانه ده ها جرم و جنایت را انجام میدهند، پس چرا مهر سکوت بر لبها

زده میشود تا گریبان شانرا گرفت و مورد سوال قرار داد؟ قدرت مداران نمیخواهند این کار را انجام بدهند زیرا منافع شخصی و معاشات دالری شان به خطر مواجه میشود.
چرا کشورهای که داد از حقوق بشر میزنند، اطفال بی گناه کشور را قربانی میکنند؟
امروز آنانی که داد از حقوق زن میزنند و زنان بی گناه ما را تحقیر و توهین و تلاشی میکنند.
کسانیکه داد از عدالت میزنند اما به سرمداران کشور هدایت میدهند که به نوکران خارجی معاش بالاتر از ۲۰۰۰ دالر ۱۰۰۰۰ دالر میپردازند در حالیکه مامور، معلم و کارمندان پایان رتبه عمری در پشت میز سیری نموده اما امروز به معاش ۶۰۰۰ الی ۸۰۰۰ افغانی دولت برایش قایل میشود.
آیا همین عدالت است و همین مساوات و حقوق انسان؟؟؟

چرا امروز در کشور فساد اداری بیداد میکند در حالیکه مقامات بلند پایه که اکثراً جنایتکاران جنگی اند به اساس معامله گیری تمام دار و ندار کشور را به یغما میبرند، چرا کسی لب باز نمیکند و مجرم و جنایتکار را سرزنش نمیکنند؟

خسته ام از توبه های سرسری

از هوای نفس و از دیو و پری

دوستان دشمنم در یآوری

مادران بدتر از نامادری.

عده ای خوابند، پس بیدار کو؟

عده ای مست اند، پس هوشیار کو؟

بهری نجات وطن غازی و سردار کو؟

از برای حفظ کشور لشکر بسیار کو؟.

مال مردم مال بابایت است! نه؟

وقف خرج انتخابات است! نه؟

جرم تو لازم به اثبات است! نه؟

مردنت بهتر ازین حیات است! نه؟.

حکومت طالبان از تاسیس در کابل الی سقوط آن در ماه اکتوبر ۲۰۰۱ - پنج سال را دربر گرفت یکی از سیاه ترین و بدنام ترین دوره های تاریخ شمرده میشود. نسل کشی، و زیر پا نمودن حقوق زنان، بستن دروازه های مکاتب، خصومت با علم، فرهنگ، هنر و هر آنچه با تمدن و انسانیت ارتباط داشت در برنامه کاری آنان قرار داشت. هدف نهایی طراحان پروژه طالبان را خلع فرهنگی و از بین بردن دست

آورده‌های معنوی کشور ما تشکیل میداد. انفجار در سفارتخانه های آمریکا در کینیا و تانزانیا در سال ۱۹۹۸ و بخصوص حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱- در آمریکا که طراحی آن توسط بخش عربی طالبان صورت گرفت، جهان را متوجه وخامت اوضاع و حکومت طالبان نمود و سرانجام کشورهای غربی را مضمم ساخت تا این دستگاه تروریستی را از میان بردارد.

با اندوه فراوان ایالات متحده آمریکا با از بین بردن طالبان یکبار دیگر بدنام ترین چهره های جنگ و تفنگ را با اسلحه جدید و با میلیون ها دالر وارد زندگی مردم مظلوم و بی دفاع افغانستان نمود. گویی این مردم ستم دیده باید همیشه با کشتن، بستن، بردن و نابود شدن زندگی نمایند. با رفتن طالبان فقط چهره عوض شد. برنامه کار روزانه، سیاست های محلی، اندیشه بنیادگرایی، جنگ و تفنگ، بردن و کشتن، قنذاق کاری، به زندان انداختن همان بود که در زمان طالبان جریان داشت، ولی با دو تفاوت: یکی اینکه این زندانی ساختن و بردن و تسلیم دادن بی گناهان به خارجیان و در زندان های بیگانه ها صورت گرفت و دوم تغییر دستار به پکول بود. آمریکاییان با سیاست های دودمنشانه خویش باز هم همان پکول پوشان فراری که شهر را به ویرانه و کابل را به غمخانه تبدیل نموده بودند بلای جان مردم گردانید. جاه طلبی رهبران و فرماندهان نیروهای به اصطلاح جهادی تنها اهرم مصیبت بار بود که استعمار می توانست درین راه از آن بهره برداری نماید. بسیاری از افرادی که در جریان جنگ ها در افغانستان به انواع مختلف حقوق آنان زیر پا شده و بسیاری از آنان اعضای خانواده های خود را از دست داده اند، معتقدند که برنامه عدالت انتقالی قربانی معاملات سیاسی شده است و مدعی این هستند که تا زمانی که به خواست آنان از سوی حکومت و نهاد های مسئول رسیدگی لازم صورت نگیرد، به اعتراضات در آینده هم ادامه می دهند. دولت طی این سال ها اقدامات جدی و موثری برای حمایت از حقوق بشر در کشور انجام نداده است و این بی علاقه‌گی دولت به حمایت از حقوق بشر باعث شده که زورمندان به صورت پی در پی از زور، ترس و وحشت استفاده کنند و زمینه افزایش موارد نقض حقوق بشر را فراهم آورند.

حتی مسئولین کمیسیون حقوق بشر در افغانستان نیز بر این موضوع اذعان دارند که اراده سیاسی برای تامین و حمایت از حقوق بشر در حکومت متأسفانه به شکلی که انتظار می رفت دیده نشده است. توقیف های خودسرانه پولیس و عدم رعایت طرز العمل‌های قانونی در توقیف افراد، افزایش خشونت بر علیه زنان، محاکمه نشدن متقلبین و ناقضین حقوق بشر، تعلل در رسیدگی به دوسیه های جرمی و . . . همه از مواردی اند که شاهد این مدعاست. کسانی که حقوق بشر را در افغانستان نقض کرده اند، امروز اکثر شان صاحب قدرت و چوکی در دولت اند. اگر کسی بخواد آنها را محاکمه کند، آن افراد باید خود همین ناقضین حقوق بشر باشد. باید آنها خودشان، خودشان را محاکمه کنند. چون قدرت بالاتر از آنها در

افغانستان وجود ندارد. و آنها هم حاضر به محاکمه ای خودشان نیستند. ازین خاطر است که محاکمه جنایت کاران در افغانستان صورت نگرفته است.

یوناما در گزارش نیمه سال گذشته خود درباره حمایت از غیرنظامیان در درگیری های مسلحانه در افغانستان اعلام کرد که در نیمه اول سال، خشونت های ناشی از درگیری به مرگ ۱۲۰۰ غیر نظامی و زخمی شدن ۲۰۰۰ غیرنظامی، شامل ۹۵۰ زن و کودک، منجر شده است. به علاوه، خشونت های ناشی از درگیری نزدیک به ۱۲۰۰۰۰ نفر را در افغانستان آواره کرده است که حدوداً ۱۸۰۰۰ نفر آن ها جدیداً آواره شده اند. طالبان، که رسماً اعلام کرده اند به حمله علیه کسانی که بر اساس حقوق بین‌المللی بشردوستانه به عنوان غیرنظامی مورد حمایت قرار دارند ادامه خواهند داد، مسئولیت هشتاد فیصد از تلفات غیرنظامی را به عهده دارند.

حمله علیه مدارس به ویژه افزایش یافته و بر دسترسی کودکان به آموزش تأثیر گذاشته است. در آپریل ۲۰۱۲، ۱۵۰ دختر متعلم در اثر آلودگی آب آشامیدنی در ولایت تخار مسموم شدند. در چند سال گذشته، موارد زیادی از اسید پاشی به زنان و دختران در راه مکتب گزارش شده است. در اگست سال گذشته، سر یک دختر شش ساله و یک پسر دوازده ساله در دو مورد جداگانه در مناطق زیر کنترل طالبان قطع شد. سر هفده غیرنظامی دیگر در ولایت هلمند قطع شد. سوهیر بالحسن، رئیس فدراسیون بین‌المللی جامعه های حقوق بشر، میگوید: دولت افغانستان باید به سرعت درباره این گونه قتل های هولناک تحقیق کند، مسئولان آن ها را به دست عدالت بسپارد و ارائه جبران مؤثر به قربانیان را تضمین کند. «همان طور که شورای امنیت سازمان ملل در قطعنامه ۱۳۲۵ خود تأکید کرده است، بسیار مهم است که تمام کشورها موازین حقوق بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بشر را به طور کامل درباره زنان و دختران به کار بگیرند و اقدام های ویژه ای برای حمایت از زنان و دختران در برابر خشونت های جنسی در درگیری های مسلحانه به اجرا بگذارند. در طی سال گذشته، باشندگان محلی نگرانی های خود را درباره استخدام ناقضان حقوق بشر به وسیله پلیس افغانستان به طور منظم نزد هیات کمک رسانی سازمان ملل در افغانستان ابراز کرده اند. دلایل محکمی وجود دارد که طالبان به طور فزاینده در میان نیروهای افغانستان رخنه می کنند و موجب افزایش حمله ها به نیروهای بین‌المللی و افغانستان می شوند.

گیسو جهانگیری، مدیر بنیاد آسیای آزاد، گفت: با توجه به فجایع اخیر، جامعه بین‌المللی باید براساس تعهد خود در کنفرانس توکیو درباره افغانستان در تاریخ هشت جولای ۲۰۱۲ به نظارت دقیق بر وضعیت حقوق بشر در افغانستان ادامه دهد. شورای حقوق بشر سازمان ملل مسئولیت جلوگیری از نقض حقوق بشر را در هر جا که رخ دهد به عهده دارد. باعث تأسف است که این شورا درباره این جنایت های فجیع

سکوت کرده است. در گزارشی که در ماه می ۲۰۱۲ منتشر شد، فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر و بنیاد آسیای آزاد توصیه‌های را به دولت افغانستان، سازمان ملل، کشورهای عضو ناتو و دادگاه بین‌المللی جزایی ارائه کردند.

متأسفانه در نتیجه حضور ده ساله خارجی‌ها، غیرنظامیان بارها و بارها در بمباران‌ها قربانی شده‌اند و وضعیت معنادرین در سطح پایتخت، نشان‌دهنده این است که آمار اعتیاد، در میان مردم به دلیل کشت وافر مواد مخدر، رو به افزایش است. اروپائیان که عضو ناتو هستند و به اجرای تعهدات خود در افغانستان پای بند نمی‌باشند، موجب ظلم مضاعف شده است. آمار نیروهای نظامی افغانستان به رقمی نزدیک به دوبرابر، افزایش یافته؛ اما سیاست‌های سلطه‌طلبانه و عدم مسئولیت‌پذیری آنان، آینده مردم ما را درحاله‌ای از ابهام فرو برده است.

با توجه به شواهد موجود، ارمغان حضور ناتو در افغانستان چیزی جز ویرانی و کشتار نبوده و اخبار مربوط به بازداشت و شکنجه‌ی افراد غیر نظامی و آزار و اذیت مردم و بمب باران مناطق مسکونی به بهانه‌ی تخریب ادوات طالبان و القاعده همه مشکلاتی است که حقوق اولیه و طبیعی انسانی را به شدت نقض می‌کند. اغلب نهادهای بین‌المللی همانند سازمان دیده بان حقوق بشر علیرغم وابستگی به غرب، تعداد زیاد تلفات غیرنظامیان را تأیید کرده و خواستار حفاظت از جان غیرنظامیان در عملیات نظامی شده‌اند. آنان از وضعیت حقوق بشر در افغانستان ابراز نگرانی کرده و خارجی‌ها را به عدم رعایت موازین بین‌المللی و بخصوص بد رفتاری و شکنجه زندانیان متهم کرده‌اند.

شاهد بودیم نظامیان خارجی پس از قتل مردم غیر نظامی و بخصوص کودکان، انگشتان قربانیان خود را می‌برند و با آنها بازی می‌کنند. در سال ۱۳۹۰ محکمه نظامی واشنگتن، شاهد اعترافات تکان‌دهنده یکی از پنج عضو تیم کشتار غیر نظامیان در افغانستان بود. آنان به جمع‌آوری مجموعه‌ای از انگشتان بریده شده غیر نظامیان و کشتار وحشیانه کودکان با استفاده از بم دستی در ولایت قندهار اعتراف کرده بودند. در این جنایت، جرمی مورلاک، سر دسته سربازان با یک سرباز دیگر بر سر چگونگی کشتن یک پسری مسابقه می‌دهند. آنها این پسر را صدا می‌کنند و در فاصله پنج متری وی، همزمان مورلاک نارنجکی را به سوی وی پرتاب کرده و هولمز با اسلحه اتوماتیک خود شش گلوله به سوی وی شلیک می‌کند. در این مسابقه هولمز برنده می‌شود چون گلوله‌های شلیک شده توسط اسلحه او، موجب مرگ این پسر شده بود.

خودکشی، تجاوز به زنان و کودکان و خودسوزی قبل از حضور نیروهای آمریکایی، پدیده‌ای جدید و ناآشنا برای افغان‌ها بود اما اکنون پس از ده سال حضور این کشور در افغانستان، این گونه مسائل از

حوادث عادی در افغانستان به شمار می رود. با آن که افغانستان سه و نیم دهه جنگ و خونریزی را سپری کرده است اما در این مدت هیچگاه پدیده های مانند خودسوزی را به خود ندیده بود اما اکنون این کشور در ردیف اول فهرست نا امن ترین کشورها برای زنان و کودکان قرار دارد. یک روزنامه ناروی در نوشته است که استمرار حضور گروه های تروریستی القاعده و طالبان در مناطق مختلف افغانستان این کشور را به خطرناک ترین منطقه برای زنان تبدیل کرده است. حملات مداوم تروریستی که اصلی ترین قربانیان آن را زنان و کودکان تشکیل می دهد، در کنار عدم امنیت اجتماعی و منع تحصیل از جمله مشکلات جاری زنان افغان محسوب می شود. در سال گذشته سازمان ملل آمار تجاوز جنسی در افغانستان از سوی رسانه ها را پایین تر از میزان واقعی آن دانست. نماینده حقوق بشر سازمان ملل در افغانستان اعلام کرد آمار تجاوز جنسی در افغانستان کمتر از میزان واقعی است و بخش وسیعی از این تجاوزها به دلیل گزارش نشدن، پنهان می ماند.

در زمان اشغال افغانستان توسط شوروی سابق، حقوق بشر در افغانستان بدین شکل پایمال نمی شد، زیرا آنان بیشتر از آمریکایی ها به انسانیت و کرامت انسانی پایبند بودند. اکنون نسل جوان افغانستان با آشنایی به ابتذال فرهنگی غربی، یک نوع احساس خود بیگانگی می کند که در نتیجه یا زندگی برای آنها بی مفهوم شده و به خودکشی و خودسوزی دست می زنند و یا به وحشی گری و تجاوز به مال و ناموس دیگران می پردازند.

کمتر روزی است که در رسانه های داخلی و خارجی، از حملات انتحاری، انفجارات و یا حملات راکتی، به یکی از نقاط کشور، خبر ندهد. در حالیکه انتظار می رفت با تشکیل پارلمان و تنفیذ هرچه بهتر قانون؛ دولت، به بخشی از چالش های موجود در مقابل خود، فایق آید؛ اما دیده می شود که تشدید نا امنی ها، باعث ایجاد چالش عمده ای در مقابل دولت، شده است. کابل پایتخت کشور که در آن نیروهای پرشمار داخلی و خارجی تامین کننده امنیت، وجود دارند نیز از گزند نا امنی ها، مصئون نمانده و بطور پراکنده اما هشدار دهنده ای، مورد حملات انتحاری و فیر راکت قرار می گیرند. اگرچه تا کنون، ارگان های دولتی تامین کننده امنیت، شامل وزارت دفاع، داخله و امنیت ملی، تشدید حملات انتحاری و تخریبی از سوی مخالفین را، نشانهء تضعیف و اضمحلال آنان دانسته و مدعی اند که آنان به دلیل عدم برابری در مواجهه مستقیم با دولت، دست به این کار ها می زنند.

درگیری و بی نظمی ها نشان می دهد که امنیت، روز به روز خراب تر شده می رود. بدیهی است که اگر دولت به حل این مشکل اساسی فایق آمده نتواند، در تطبیق پروسه های باز سازی و نوسازی، به کامیابی نخواهد رسید. در کشوری که تمام زیر ساخت های اجتماعی و اقتصادی آن، در دوران جنگ سی

و پنج ساله تخریب شده و مردم کشور، برای قادر شدن به گذران زندگی آبرومندانه خویش، نیاز شدید به کار در راستای بازسازی دارند؛ امنیت و سرزنش سران جنگ و تفنگ ضرورت شماره اول به حساب می آید. در صورتیکه این مشکلات بطور عاجل مرفوع نگردد بسیار مشکل خواهد بود تا حرکت های لازم دیگر، در عرصه های بازسازی و احیای مجدد و قادر ساختن مردم به پیدآوری ضروری، صورت بگیرد. تخریب اوضاع امنیتی در کشور، سبب شده است تا کرسی، نتواند در برابر اوضاع نا بسامان امنیتی، واکنش نشان ندهد. کرسی که اغلب، در سخنرانی هایش از بازسازی و کارکردهای دولت سخن می گوید، در سفر های خویش، با اینکه کوشش می کند تا در جلب اعتماد مردم، از کارکردهای دولت چیزی بگوید؛ اما نمی تواند منکر وضعیت نا بسامان امنیتی گردد.

از جانب دیگر از هر دو نفر افغان، یک بیکار می باشد. این بیکاری سبب می شود تا عاید مردم صفر گردد و مردم را مجبور نماید تا به آسانی دعوت هرکسی را برای تحصیل پول قبول نمایند، حتی اگر دعوت هایی مبنی بر صدمه رساندن به منافع ملی و عدم تحکیم ثبات باشد. در کنار بیکاری، چیزی دیگری که مشکلات مردم را بیشتر کرده، گرانی و بلند رفتن روزانه نرخ مواد استهلاکی است. نبود فابریکه های تولیدی در داخل کشور و متکی بودن افغانستان به واردات حتی برای تامین مواد ضروری چون آرد و روغن و گندم، سبب می گردد تا نرخ ها در نوسان و رو به صعود باشد. این مسئله، مردم را در یک تنگنا قرار می دهد و مجبور می شوند تا دست به سرقت، تخریب یا هر کاری بزنند که برای شان روزنه ای برای به دست آوردن نان و خرچ خانه، باشد. سالهاست که پس از سرازیر شدن دهها میلیارد دالر در افغانستان فساد اداری گسترده و عمیق، اداره های افغانستان را فلج کرده است و کمکهای جهان به افغانستان تراج شده است. فساد اداری که ریشه ای اصلی اش تبعیض قومی و عدم رعایت شایسته سالاری است بیشتر از همه در کادرهای کلیدی ادارات وجود دارد و بزرگترین فساد، تقریر وزیران کابینه و والیان ولایات و رؤسای ادارات براساس قومیت و گروه گرایی و قوم بازی است نه تخصص و تعهد کاری و وحدت و منافع ملی.

روزنامه گاردین در یکی از شماره های اخیر خویش مینویسد: گزارشی جنجال برانگیز از سوی سازمان ملل که خیلی وقتها مسکوت مانده بود، نشان می دهد برخی سیاستمداران و مقامات بلند پایه افغانستان متهم به سازماندهی کشتار، شکنجه، تجاوز و سایر جنایات جنگی هستند. . . این گزارش قرار بود منتشر شود اما انتشار آن به دلیل حساسیت افشای اسامی مقامات و فرماندهانی که هنوز در راس قدرت هستند، چندین بار به تاخیر افتاد. یک مقام اروپائی که از ذکر نامش خود داری کرد گفت: کرسی تصمیم هائی میگیرد که برای ثبات در کوتاه مدت موثر میباشد اما در دراز مدت برخلاف منافع بازسازی افغانستان

خواهد بود و در نتیجه حمایت بین المللی از کرزی رو به زوال میباشد که این در آینده ها یک شکاف و خلا واقعی بوجود خواهد آورد. خانه های مردم در شبها دزدی میشود و در روزها سرمایه مردم در وزارت خانه ها به یغما برده میشود. من واقعاً متاسفم.



دیدبان حقوق بشر در گزارش جدید خود، وضعیت کشور را از نگاه رعایت حقوق بشری، گسترش فساد، ادامه جنگ و نا امنی و کشتار غیرنظامیان بسیار نگران کننده توصیف کرده است. نبود حاکمیت قانون، وجود یک حکومت ناتوان، افزایش تلفات غیرنظامیان و دست داشتن شماری از مقامات بلند پایه حکومت از جمله نیروهای پولیس و دادگاه ها با فساد، خشونت در برابر زنان، ضعیف بودن نهادهای عدلی و قضایی و شکنجه زندانیان، از عواملی است که وضعیت حقوق بشر را در افغانستان به شدت نگران کننده ساخته است. هرچند افغانستان تا پیش از این جزء اولین کشورهای بود که آلوده به فساد است و اولین کشوری است که بیشترین مواد مخدر را تولید می کند و اولین کشوری است که بیشترین آمار بیکاری را در خود دارد و نیز اولین کشوری است که کمترین رعایت قانون را دارد و سرانجام این بار افغانستان به اولین کشوری تبدیل شده است که در آن بیشترین نقض حقوق بشر در آن صورت می گیرد و این مقام اولی جدیدی است که افغانستان از مسیر معکوس و منفی آن در سال جاری کسب کرده است.

در طول ده سال گذشته آمار تلفات انسانهای غیر نظامی که به هزاران و شاید دهها هزار نفر می رسد، خود روایت گر قساوت و بی رحمی جنگ در افغانستان است و رعایت حقوق انسانی افراد غیرنظامی و مجروح اصلا در قاموس گروههای افراطی چون القاعده و طالبان نمی گنجد.

تا کنون طالبان در حملات خود هیچ ابایی از تلفات افراد غیرنظامی در حملات انتحاری و چریکی خود نداشته است، طوری که براساس آمارها و گزارش های که هر سال از سوی نهادهای مختلف منتشر می گردد، نشان میدهد که هشتاد در صد تلفات افراد غیر نظامی توسط طالبان بوده است و این خود نشان میدهد که طالبان در حملات انتحاری و حملات نظامی خود هیچ ابایی از تلفات غیر نظامیان ندارند و در طول دو دهه آشوب و خونریزی که به پا کرده است، هیچ گاهی حتی از کشته شدن غیر نظامیان معذرت

خواهی نیز نکرده است. در تداوم جنگ نه تنها گروه طالبان حقوق بشر را زیر پا گذاشته بلکه نیروهای دولتی و خارجی نیز مرتکب نقض بشر در جنگ و نبرد با طالبان شده است. بر اساس آمارهای داده شده از سوی یونیسف هم اکنون شش میلیون کودک با خطرهای گوناگونی مانند سوء استفاده های جنسی، کارهای شاقه، استفاده در حمله های انتحاری و جاسوسی روبرو هستند. آماري که وحشت ناک ترين رويه را برای کودکان گزارش می کند و افغانستان در مقام بد رفتاری و عدم حمایت از حقوق کودکان نیز مقام اول را در جهان دارا میباشد. تضييع حقوق زنان در کشور نیز کمتر از وضعیت حقوقی نابسامان کودکان در کشور نیست. حقوق و آزادی های زنان در افغانستان در گردباد سنت های قبیله ای گم شده است و برای زنان در طول ده سال پیشرفت قابل ملاحظه ای صورت نگرفته است. مقامات بلند پایه دولتی می گویند، که رسیده گی به وضعیت زنان افغان یکی از اولویت های اساسی کار آنان است و باید ناقضین حقوق بشر به خصوص ناقضین حقوق زنان در این کشور مورد محاکمه قرار گیرند.

اما این ناقضین نه تنها محاکمه نمی شوند بلکه هر سال میزان خشونت ها در کشور بالا می رود و این نشان می دهد که تفکرات مردسالاری تا چه حد در کشور ما از استحکام برخوردار است که بجای ایجاد تغییر و تحول آمار خشونت ها علیه زنان نسبت به سال های گذشته هر سال بالاتر می رود. همین موضوع سبب شده است که بیشترین نگرانی دیدبان حقوق بشر در گزارش جدیدش از وضعیت حقوق بشر در افغانستان، در مورد زنان باشد.

دیدبان حقوق بشر با اشاره به پیشرفت های نسبی زنان در کشور، وضعیت آنان را بدتر از پیش می داند و می گوید نداشتن مصونیت قانونی، تهدید از سوی طالبان و دیگر گروه های مسلح و زندانی شدن دختران و زنان به اتهام فرار از خانه از سوی حکومت، ازدواج های اجباری و مرگ و میر مادران هنگام زایمان که در هر ساعت یک مادر باردار می میرد از مشکلات جدی زنان در افغانستان است.

در طول چند سال گذشته کارشناسان بارها نسبت به عملکرد نیروهای ملیشه ای هشدار داده بودند، اما دولت همیشه از آنان حمایت کرده است در گزارش جدید دیدبان حقوق بشر عملکرد نیروهای فرماندهان محلی و ملیشه ای را زیر سؤال برده و گزارش داده است که حکومت افغانستان و جامعه جهانی به مشکلات امنیتی رسیدگی درست نکرده است زیرا بسیاری از فرماندهان محلی و ملیشه ها از حقوق مردم سوء استفاده کرده اند و این افراد و فرماندهان آنان در سوء استفاده های بزرگی دست دارند. حکومت افغانستان برای کشتن فرماندهان محلی و ملیشه ها به دادگاه ناکام بوده است و نیز نتوانسته اند آن مقام های بلند پایه دولتی را که آلوده به فساد هستند به محکمه بکشاند.

آنچه در این گزارش بیشتر مایه نگرانی است این است که این نهاد گفته است که با خروج نیروهای خارجی از افغانستان در سال ۲۰۱۴ وضعیت حقوق بشر بیش از گذشته در افغانستان نقض خواهد شد. هرچند تا پیش از این وقتی از حکومت افغانستان در مورد نقض حقوق بشر و گسترش فساد در کشور انتقاد می‌گردید، حکومت فوراً بخشی از فساد و نقض حقوق بشر را به گردن خارجی‌ها می‌انداخت، اما اکنون کارشناسان بدین باورند که با خروج نیروهای خارجی از افغانستان، در کشور ما بیشتر از گذشته فساد و نقض حقوق بشر گسترش خواهد یافت.

دیده بان حقوق بشر و عفو بین‌الملل از کرزی، خواستند به منظور جلب دوباره اعتماد مردم روابط خود را با جنگ سالاران افغان قطع کند. دیده بان حقوق بشر در بیانیه‌ای اعلام کرد جنگ سالاران، جنایتکاران و آنهایی که به حقوق بشر ضربه می‌زنند نباید در سمت‌های مهم در دولت ملی و محلی یا نیروهای امنیتی منصوب شوند. در این بیانیه به نقل از براد آدامز مسئول دیده بان حقوق بشر در آسیا آمده است کرزی و حامیان بین‌المللی وی باید بفهمند که همین حالا اعتماد مردم افغان را دوباره بدست بیاورند وگرنه این امر هرگز اتفاق نخواهد افتاد.

عفو بین‌الملل نیز به نوبه خود از کرزی خواست احترام به حقوق بشر و برقراری دوباره حکومت قانون را اولویت دور دوم ریاست جمهوری خود قرار دهد. مدیر منطقه آسیا - اقیانوس آرام عفو بین‌الملل در بیانیه‌ای اعلام کرد افغان‌ها همچنان به ما می‌گویند که از سوی زمامداری، فساد شایع، نظام قضایی ناکارآمد و فقدان احترام به حقوق بشر رنج می‌برند. مسئولان دولت و نمایندگان مظنون به نقض حقوق بشر و ارتکاب جنایات جنگی از مصونیت بی‌شرمانه‌ای برخوردارند. و مسئولیت اعمال خود را بر عهده بگیرند.

همچنان ماد یدیم قبلاً سخنگوی دفتر نمایندگی ملل متحد یوناما در یک کنفرانس خبری در کابل گفت که آلودگی رو به افزایش مقامات این کشور به انواع فساد، تهدیدی برای حاکمیت ملی و امنیت در افغانستان است. ادوارد گفت: "از جامعه جهانی نباید انتظار داشت که از ادارات و مسئولان آغشته به فساد پشتیبانی کند و این موضوع برای مردم عادی نیز قابل‌پذیرش نیست." به گفته ادوارد فساد و ناامنی دو روی یک سکه است و جایی که فساد باشد در آنجا ناامنی نیز وجود دارد. ادامه فساد در حکومت به کاهش حاکمیت دولت مرکزی در این مناطق منجر خواهد شد. او گفت اگرچه افغانستان در یک مرحله گذار قرار دارد ولی ممکن نیست از کنار مسایل مهمی چون فساد، مواد مخدر و اداره ضعیف به آسانی گذشت. وجود فساد اداری در دستگاه حکومت از آن دسته انتقادهای است که حکومت پس از طالبان به رهبری رییس

جمهوری کرزی همواره با آن مواجه بوده است؛ آنچه که حکومت کرزی از نخستین روزهای تشکیل متعهد به مبارزه با آن شده بود. ولی در حال حاضر این مشکل به جای کاهش، رو به افزایش نهاده است. دوام این حالت در کنار ناراضی مردم نگرانی برخی سازمان های جهانی را نیز برانگیخته است. موضوع فساد در دستگاه حکومت به یکی از بحث های محوری مطبوعات غربی نیز تبدیل شده چنانچه در یکی از شماره های اخیر روزنامه واشنگتن پست در مطلبی از خرید و فروش پست های بلند دولتی در افغانستان خبر داده شده است. بسیاری افغان ها به این نتیجه رسیده اند که اگر جلو فساد گرفته نشود و اصلاحات لازم به وجود نیاید آنچه در چهار سال گذشته دولت و مردم به دست آورده اند به آسانی از دست خواهد رفت.

اخیراً شماری از رهبران سابق جهادی که در گزارش ماه قوس سازمان جهانی نظارت حقوق بشر متهم به نقض حقوق بشر شده بودند؛ در کابل گردهم آمدند و پیرامون گزارش اخیر سازمان نظارت بر حقوق بشر؛ به بحث و مشوره، پرداختند و دخالت شان در جنایات جنگی را رد کردند.

آنان انتشار این گزارش را توطئه ای علیه مجاهدین توصیف و خواهان محاکمه تهیه کنندگان این گزارش شدند. در این نشست که شماری از سران جهادی و برخی نمایندگان مجلس حضور داشتند، بر تشکیل گردهمایی مسالمت آمیز مردمی در ولایات در اعتراض به گزارش سازمان مزبور تاکید شد. برهان الدین ربانی در رابطه با گزارش سازمان نظارت بر حقوق بشر گفت که باید علیه تهیه کنندگان این گزارش اقدام دعوا شود. وی با اشاره به اینکه در گزارش به حیثیت ملی افغان ها تجاوز شده افزود: هر فردی از این دار و دسته و لانه جاسوسی آنها گزارش را تهیه کرده باید محاکمه شوند.

این سازمان نه بر اساس احساسات اسلامی و یا دفاع از حقوق بشر بلکه بر اساس وظیفه اطلاعاتی دشمن علیه جنبش آزادی خواهی ملت ها فعالیت می کند. ربانی این گزارش را توطئه توصیف کرد و افزود: شماری از افراد داخلی و خارجی در تهیه گزارش یاد شده دخالت دارند. همچنین رسول سیاف نیز گفت که این گزارش آسیبی به مجاهدین و مردم وارد نخواهد کرد بلکه باعث همبستگی بیشتر و وحدت میان آنها خواهد شد. چندی قبل دیدبان حقوق بشر در گزارشی اعلام کرده بود: اگرکرزی عدالت را حاکم نسازد، روند تحکیم امنیت در کشور شکست خواهد خورد. در گزارش تاکید شد که وقت آن است افرادی که در جنگ های داخلی و در وقوع جرایم جنگی دخالت داشتند به دادگاه احضار شوند. در گزارش دیدبان حقوق بشر از حکومت افغانستان انتقاد و گفته شد در عوض اینکه پایمال کنندگان حقوق بشر و مجرمان جنگی به دادگاه احضار شوند، آنان بکار گرفته شدند.

در گزارش از عبدالرسول سیاف، برهان الدین ربانی، محمد قسیم فهیم، محمد اسماعیل خان، و محمد محقق نام برده شده است. بر اساس این گزارش، گلبدین حکمتیار رهبر حزب اسلامی، ملا محمد عمر، ملا دادالله و مولوی جلال‌الدین حقانی از گروه طالبان متهم به جنایت ضد بشری نیز می‌باشند. پس از انتشار این گزارش دولت افغانستان مطالب سازمان نظارت بر حقوق بشر را در مورد شماری از شخصیت‌های جهادی کشور نادرست اعلام کرد. این جلسه در پشت دره‌های بسته در هتل انتر کانتینانتال؛ برگزار شد. اما در سالهای گذشته موسسات داخلی و جهانی حقوق بشر مکرراً گفتند که ناقضین بزرگ حقوق بشر در چوکی‌های رسمی افغانستان کار می‌کنند. اما تاکنون کسی مشخص نام فردی را یاد نکرده بود. مقامات در پاسخ به این اتهامات همیشه گفته‌اند که این سخنان صرف اتهامات است و علیه این افراد اسناد و شواهد وجود ندارد. اما اخیراً رئیس بخش آسیا در سازمان حقوق بشر هیومن رایتس و اچ برات آدمس از افرادی که به گفته او عملاً به جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت متهم می‌باشند نام برد.

اخیراً کرزی هم اعلام نمود که برنامه‌ای را تحت نام عدالت انتقالی روی دست گرفته است که طبق آن با مجرمین جنگ در افغانستان و جنگ علیه بشریت برخورد صورت خواهد گرفت.

اما مقامات دولتی نگفتند که این برنامه چه وقت آغاز می‌شود و کدام افراد به کرسی عدالت کشانده می‌شوند. اما برات آدمس در صحبت تلفونی خود با رادیوی آزادی مهر سکوت را درین مورد شکسته و نام این افراد را که به جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی متهم می‌باشند با صراحت به زبان آورد. آدمس در صحبت‌های خود از کرزی خواست که یک محکمه خاص را تشکیل دهد تا جنایتکاران جنگ در آن حضور یابند. او همینطور گفته است که بعد از سقوط طالبان حکومت افغانستان و حامیان بین‌المللی آن به ناقضین حقوق بشر و قاچاقبران مواد مخدر تکیه کرده است. او گفته است که در ظرف بیست سال گذشته مردم افغانستان شاهد شدیدترین جنایات در این کشور بودند. تا یک وقتی خارجی‌ها بر این مردم بمبارد می‌کردند و بعداً در جنگ‌های تنظیمی توسط افغانها بمباران شدند. آدمس می‌افزاید که طبق یک گزارش این سازمان در اوایل دهه نود میلادی برای ویرانی کابل قدم عمدی و منظم برداشته شد و این یک جزو کوچکی از جریان‌های افغانستان است. یک عده افرادی که مسوول این اعمال بودند به یک ترتیبی از گذشته پاک شده و حالا در چوکی‌های بلند حکومت و پارلمان نشسته و از مصئونیت هم بهره‌مند شده‌اند.

این حالت برای مردم افغانستان قابل قبول نیست. (افغانهای که ما با آنها صحبت کردیم گفتند که این موضوع برای شان غیر قابل قبول می‌باشد. آنها میدانند که کی کشور شان را ویران کرد، آنها این افراد را که به جنایات علیه بشریت و جنایات جنگ دست زده‌اند مشناسند و اعتبار آنها به حکومت و به

پارلمانی که به چنین افراد مقام، قدرت و حیثیت داده است کمتر می شود.) از عقیده عدالت بخاطر جنایت های گذشته حمایت می کند اما او با تهدید افرادی مانند سیاف روبرو شده و عقب نشینی کرده است. آدمس، کرزی را تشویق می کند از محاکمه چنین افراد ترس نداشته باشد: واقعاً امیدوارم که اعلام برنامه عدالت انتقالی يك علامتی باشد که رئیس جمهور حقیقتاً به این گفتار متعهد است و به قبول خطر در این راه آماده می باشد. عقیده ما اینست که این افراد نمی توانند کرزی را به سقوط روبرو سازند، آنها در حقیقت بازنده خواهند بود به شرطی که کرزی به حمایت جامعه جهانی در مسئله جنایات با آنها برخورد نماید.

www.esalat.org